

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال هشتم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۷ [پیاپی ۳۲]

**مدیر مسئول:** آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای  
**سر دبیر:** دکتر حسین کلباسی اشتری  
**مدیر اجرایی:** مهدی سلطانی  
**ویراستار فارسی:** فاطمه محمد  
**صاحب امتیاز:** انجمن علمی تاریخ فلسفه  
**ناشر:** بنیاد حکمت اسلامی صدرا  
**مترجم انگلیسی:** دکتر رؤیا خوبی  
**ویراستار انگلیسی:** دکتر علی نقی باقرشاهی

اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی  
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی  
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران  
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران  
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی  
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی  
فتح‌الله مجتبایی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران  
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

**نشانی:** تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلاهی بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی (ره)، ساختمان شماره ۱۲.

**صندوق پستی:** ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ **تلفن:** بگیری مقالات: ۸۱۵۳۲۲۱؛ اشتراک و فروش: ۸۱۵۳۵۹۴

**مرکز تدوین:** ۸۱۵۳۴۹۴؛ **نمبر:** ۸۸۴۹۳۸۰۳

**www.hop.mullasadra.org**      **Email:** SIPRIn@mullasadra.org

**چاپخانه: شادرنگ**

**شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹**

براساس ابلاغیه شماره ۳/۱۸/۵۴۷۳۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های: ISC, Philosopher's Index و noormags نمایه میشود.

## راهنمای تدوین مقاله

۱. فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد: به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی بدیع باشد.
۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت استنادات و ضوابط علمی مقرر، استقبال میکند.
۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه نشریه نیست.
۵. مقالات برگردان از زبانهای غیر فارسی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این فصلنامه بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به فصلنامه نیز هست و فصلنامه حق دارد چنانچه لازم باشد، نسبت به تجدید چاپ این مقالات ب زبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال کنند یا لوح فشرده حاوی فایل مقاله را به همراه نسخه مکتوب مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک فصلنامه ارسال میشوند، در بخش «subject» پست الکترونیکی، عبارت «مربوط به فصلنامه تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:  
ویراستار علمی ← دو نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.  
بدیهی است مقالاتی که در هر یک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
۱۳. پیگیری نتیجه ارزیابی مقالات بر عهده مؤلف(مؤلفان) است.

### شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیمی با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی به همان زبان اصلی باید قید شوند.



سخن سردبیر..... ۵

واکاوی و تبیین تطبیقی تکوین جهان در نگرش فیلسوفان مکتب ایونیا

محمد اکوان..... ۷

تأملات تاریخی در باب قاعده امکان اشرف

حوریه شجاعی باغبینی، عین‌الله خادمی..... ۳۳

شک و یقین در فلسفه معاصر اسلامی و غرب

عبدالرزاق حسامی فر..... ۶۱

تفسیر هایدگر از آرخه، بهره‌مندی و زمان نزد آناکسیمندروس

قاسم پورحسن، مهرداد احمدی..... ۸۱

مؤلفه‌های رویکرد انتقادی افلاطون نسبت به شعر و شاعران

میثم دادخواه، علی نقی باقرشاهی..... ۱۰۱

سنجش مؤلفه‌های معرفت‌شناسی دوره تجدد در ساحت علوم انسانی

و آسیب‌شناسی آن

علی کربلائی پازوکی، فاطمه نجفی پازوکی..... ۱۲۷

بازتاب اندیشه امشاسپندان در نظریه ارباب انواع شیخ اشراق

نادیا مفتونی، مرتضی درودی جوان..... ۱۴۷





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این واقعیت که ملت ایران در طول تاریخ باشکوه و دراز دامن خود، روزها و دوران سخت و دشواری را پشت سر گذاشته و همواره سربلند و سرفراز، تن به خواری و ذلت - بویژه در مقابل دشمن و دشمنان خود - نداده است، مورد تصدیق و اجماع مورخان و آشنایان به تاریخ جهان بوده و هست. از آن ایامی که پارسیان و ایرانیان دست سلوکیان و مغولان را از منابع مادی و معنوی این کشور کوتاه کرده و با رشادت و دلاوری کم‌نظیر، متجاوزان را از خاک و سرزمین خود بیرون رانده‌اند تا همین چهار دهه اخیر که نه تنها دشمن را با زبونی از کشور عقب راندند، بلکه دست تطاول آنان را نیز قطع کردند، حوادث و رویدادهای کوچک و بزرگی بر پایه همین آزادی خواهی و استقلال طلبی این ملت شریف رخ داده است.

امروز نیز همین ملت رشید و آگاه، شاهد انواع فشارها، تهدیدها و محدودیتهای ظالمانه از سوی قدرتها و عوامل ریز و درشت آنها در منطقه و سایر نقاط است که تنها و تنها بجهت عدم تمکین در برابر خواسته‌های ناحق و غیرانسانی آنان باید این وضع را تحمل کند. این وضع بی‌شک تاوان همین ویژگی و همین ایستادگی ملت ایران در برابر زورگویان زمانه است که اگر غیر از این بود، انواع امتیازات و حمایتها را - البته در ازای فروش و حراج غیرت و عزت ملی خویش - از جانب قدرتمندان دریافت میکرد. کیست که امروزه نداند شماری از کشورهای ظاهراً ثروتمند و مرفه منطقه، چگونه با اشاره فلان مسئول آمریکایی و اروپایی، طومارشان در هم میپیچد و در عین حال ثروت و منافع بی‌حساب و کتاب آنان چگونه به جیب ارباب میرود؟ آیا

برای خفت و خواری یک ملت کافی نیست که صدر و ذیل حکام و والیان آنها را بیگانگان معین سازند و همه چیزشان را به تاراج برند و به این خوش باشند که از زرق و برق برجها و عمارتها و مظاهر مدرن برخوردارند و همزمان تقدیر آنان جزئاً و کلاً بدست اجنبی باشد؟

وقتی کریستوفر مارلو در نمایشنامه خویش بنام «دکتر فاستوس» به معامله بشر جاه‌طلب با شیطان و سرنوشت این معامله میپردازد، در واقع تقدیر تراژیک انسان مدرن در عرصه دین و سیاست و اخلاق را ترسیم میکند. او نشان میدهد انسانی که خواهان خدایی کردن بر روی زمین و بدنبال تثبیت فرعونیت خویش است، شرافت خود را با قدرت پوشالی شیطانی معاوضه و معامله میکند. تقدیر امروز بشر مدرن نیز چنین است که توأمان شاهد بدترین رفتارهای غیرانسانی علیه ملت‌های مظلوم تحت لوای دمکراسی و لیبرالیسم و نیز شاهد ارتجاعی‌ترین حکومت‌های وابسته است که منافع یک قوم را فدای رضایت حاکمان آمریکایی و اروپایی میکنند؛ یعنی بشر جاهل میتواند اخلاق، دین و ارزشهای اصیل بشری را با جلوه‌های مجازی و بی‌بنیاد حیات ناسوتی معاوضه کند و این حکایت همچنان در ادوار تاریخ تکرار میشود. اما سنت الهی چنین بوده و هست و خواهد بود که فرعون و فرعونیت را زبون و خوار سازد و امروز نیز ملت بزرگ ایران به پشتوانه فرهنگ غنی و قویم خود، با تمام وجود از میراث بزرگ دینی و ملی خود نگاهبانی کرده و دیر نیست که پیروزی دیگری را بر کارنامه درخشان حق‌طلبی خود بیفزاید و یقیناً شیرینی اقتدار و عزت خویش را خواهد چشید. ان شاء الله

سردبیر

۶



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷

# واکاوی و تبیین تطبیقی تکوین جهان در نگرش فیلسوفان مکتب ایونیا

محمد اکوان\*

## چکیده

مسئله پیدایش و تکوین جهان یکی از مسائل مهم و پرسش‌برانگیز، با پیشینه تاریخی پرماجرا، پیوسته توجه، اشتیاق و کنجکاوی انسان را در بازه زمانی بسیار کهن تا به امروز، به خود معطوف داشته است. این مسئله در چهار حوزه معرفتی، یعنی جهان‌نگری مبتنی بر اسطوره‌شناختی، نگرش جهان‌شناختی فلسفی، جهان‌بینی ادیان توحیدی و کیهان‌شناختی علمی موضوع واکاوی و پژوهش بوده و هست. هریک از حوزه‌های مذکور طبق مبادی و روش‌شناختی مختص خود، به پیدایش جهان و پدیده‌های آن پرداخته و پایه‌های نظام جهان‌شناختی خود را عرضه نموده‌اند. در این پژوهش، فرایند تکوین جهان و پدیده‌های طبیعی، در نگرش جهان‌شناختی فلسفی فیلسوفان ایونیا، یعنی تالس، آناکسیمندر و آناکسیمنس واکاوی میشود. در این واکاوی، نخست، مبادی چگونگی عبور از اندیشه اسطوره‌شناختی به نگرش فلسفی در خصوص مسئله تکوین بررسی میشود که عبارت است از: الف) سیر تاریخی تبدیل نگرش تنوگونی به کوسموگونی؛ ب) چگونگی تبدیل تبیین‌گرهای شخصی به تبیین‌گرهای غیرشخصی؛ ج) عبور از جزئی‌نگری اسطوره‌شناختی و شکل‌گیری مفاهیم کلی فلسفی و آنگاه به مقایسه شیوه و دیدگاه روش‌شناختی آنها پرداخته خواهد شد.

۷

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ mo\_akvan2007@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱۳



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷  
صفحات ۳۲-۷

تالس و آناکسیمنس، هردو، تکوین و پیدایش را با روش «تبدیل و تحول» ماده اولیه «آب» و «هوا» و آناکسیمندر با شیوه «جداشدگی» اشیاء از اصل نخستین «آپایرون»، تعلیل و تبیین کرده‌اند. تالس و آناکسیمنس همه موجودات و اشیاء را کیفیات ماده اولیه میدانند، در صورتی که آناکسیمندر به کیفیات، وجود عینی میبخشد و آنها را جزء موجودات واقعی قلمداد میکند. در پایان به این پرسشها پاسخ داده میشود که از دیدگاه فیلسوفان مکتب ایونیا، ساختار و ماهیت جهان و پدیده‌های طبیعی، چگونه شکل میگیرند؟ موجودات و اشیاء چگونه بوجود می‌آیند و از بین میروند؟ آیا در پس همه تغییر و تحولات و تبدیل عناصر مادی به یکدیگر و جداشدگی اشیاء، اصل واحد و عقل مدبری به نام عامل الهی وجود داشته است؟

**کلیدواژه‌ها:** تکوین، جداشدگی، تبدیل و تحول، تبیینگر شخصی، تبیینگر غیرشخصی، مفاهیم کلی، تالس، آناکسیمندر، آناکسیمنس

\* \* \*

#### مقدمه

آنچه توجه فیلسوفان مکتب ایونیا را به خود جلب میکرد و اشتیاق آنها را برای پژوهش و روشن‌سازی واقع‌بینانه امور برمی‌انگیخت، دگرگونیهای پیوسته و تحولات مدام در درون طبیعت و فرایند پیدایش و رشد رخدادهای طبیعی بود. آنها جهان را یک واقعیت مسلم و یقینی میدانستند و از خود میپرسیدند که ماهیت این دنیای واقعی چیست؟ و چگونه باید تبیین شود و ابزار آن کدام است؟ ظهور نگرش فلسفی در یونان متقدم، باید وقوع پدیده‌های جهان را با «طبیعت درونی» خود پدیده‌ها تبیین مینمود، نه با «لطف» و «قهر» خدایان افسانه‌یی و انسان‌گونه، بعنوان «نیروهای هدایت‌کننده جهان» که حوادث طبیعت و سرنوشت انسان با مشیت و اراده آنها تحقق مییافت. از اینرو، اساس اینگونه رویکرد، «مبتنی برکنار گذاشتن آگاهانه راه‌حلهای اسطوره‌شناختی مسائل مربوط به منشأ و طبیعت جهان و فرایندهای موجود در آن بوده است»<sup>(۱)</sup>.

تفاوت روش شناختی اندیشه فیلسوفان مکتب ایونیا در مقایسه با آراء شاعرانی چون





# تأملات تاریخی در باب قاعده امکان اشرف

حوریه شجاعی باغینی<sup>۱</sup>  
عین الله خادمی<sup>۲</sup>

## چکیده

در نوشتار حاضر اصالت قاعده امکان اشرف بمثابه قاعده‌یی اشراقی بررسی می‌گردد. برغم قول مشهور درباره این قاعده مبنی بر ریشه‌یی یونانی داشتن، مدعای این نوشتار آن است که قاعده از لوازم مکتب اشراق است و مشائی دانستن آن با اصول مشائیان سازگاری ندارد. این مدعا از دو جهت به اثبات خواهد رسید؛ جهت اول، بیان شواهدی از آثار خود شیخ اشراق و شارحان مکتبش و اینکه چگونه نحوه بیان شارحان موجب چنین تصویری شده که این قاعده سابقه‌یی قبل از مکتب اشراق دارد. جهت دوم بررسی لوازم مکتب اشراق است و اینکه شیخ اشراق از این قاعده در اثبات اصول فکری مکتبش بهره برده، حال آنکه این مسائل از نظر مکتب مشاء مردود است. بنابراین جستجوی پیشینه‌یی قبل از سهروردی برای این قاعده خطاست.

**کلیدواژه‌ها:** امکان اشرف، مبانی اشراقی، مبانی مشائی، سهروردی

۳۳

\*\*\*

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی و مربی پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات (نویسنده مسئول): shbagini@yahoo.com

۲. استاد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ e\_khademi@ymail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۲ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰

سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷  
صفحات ۳۳-۶۰



# شک و یقین در فلسفه معاصر اسلامی و غرب

عبدالرزاق حسامی فر\*

## چکیده

شک و یقین دو حالت نفسانیند که در فرایند شناخت انسانی، معرفت ظنی و معرفت یقینی را شکل می‌دهند. معرفت ظنی بیشتر در قلمرو علوم تجربی و معرفت یقینی بیشتر در قلمرو برخی از علوم غیرتجربی همانند فلسفه، منطق، ریاضیات و عرفان حاصل می‌شود. در تاریخ فلسفه، فیلسوفان اغلب بدنبال معرفت یقینی بوده و نیل به حقیقت را ممکن میدانستند. اما در برابر آنها، شکاکان حصول چنین معرفتی را ناممکن میدانستند و قائل به هیچ حقیقتی نبودند. رویارویی این دو گروه همواره بخشی از تاریخ فلسفه را تشکیل داده است. این مواجهه در فلسفه معاصر و در پی بحثهایی که در معرفت‌شناسی جدید مطرح شده، هم در فلسفه اسلامی و هم در فلسفه غرب، جان تازه‌یی گرفته است. از یکسو فیلسوفان معاصر مسلمان کوشیده‌اند با نفی دیدگاه شکاکان از مبانی معرفت‌شناختی قوی فلسفه اسلامی دفاع کنند. آنها در معرفت‌شناسی قائل به واقعگرایی شدند و تفسیر مبتنی بر ایدئالیسم ذهنی را از شناخت رد کردند. از سوی دیگر، دست‌کم برخی از فیلسوفان معاصر غرب کوشیده‌اند با در میان آوردن دیدگاه‌های جدید، پاسخهایی به شبهات

۶۱

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)؛ ahesamifar@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۶

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۵



شکاکان بدهند. در این پژوهش میکوشیم در مطالعه‌ی تطبیقی تلاش گروهی از فیلسوفان دو طرف را ارزیابی کنیم و البته در نهایت نتیجه خواهیم گرفت که پاسخ فیلسوفان اسلامی هم در گذشته و هم در دوره معاصر از پایه و اساس استوارتری برخوردار است.

**کلیدواژه‌ها:** شک، یقین، شناخت، معرفت‌شناسی، صدق

\*\*\*

#### مقدمه

مسئله شناخت و بتبع آن مسئله شک و یقین از دیرباز همواره مطرح نظر فیلسوفان بوده است؛ چنانکه فیلسوفان بزرگ همواره دنبال نیل به شناخت حقیقی از عالم بوده‌اند؛ شناختی که بتوان بدان یقین پیدا کرد و دیگران را نیز از آن بهره‌مند ساخت. ولی از همان ابتدا در کنار مسیری که فیلسوفان حقیقت‌جو دنبال میکردند، کسانی هم بوده‌اند که این مسیر را ناهموار و ناپیمودنی میدانستند. این مخالفان دو مسیر متفاوت را دنبال میکردند: در یکسو سوفسطائیان بودند که یا چون گرگیاس میگفتند هیچ حقیقتی وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست و اگر هم قابل شناخت باشد، شناخت آن قابل انتقال به دیگران نیست و یا چون پروتاگوراس میگفتند که انسان معیار همه چیز است؛ معیار هستی چیزهایی که هست و نیستی چیزهایی که نیست. بنابراین هر کسی با هر مدعایی حق دارد خود را صاحب حقیقت بداند و بنابراین حقیقت نسبی است. در سوی دیگر، شکاکانی همچون پورن بودند که بجهت امکان خطا در ادراکات بشری و احتجاجات او، در اعتبار شناخت تردید کردند و مذهب شک ۶۲ را دنبال نمودند. البته پاسخ استواری که به این شکاکان داده شد، این بود که وقوع شک در بخشی از ادراکات انسان تنها ثابت میکند که در آن بخش از ادراکات او خطایی رخ داده است و ثابت نمیکند که همه ادراکات انسان باطل است و بلکه اساساً اگر همه ادراکات انسان مورد تردید و باطل باشند، چگونه میتوان از خطا بودن برخی از آنها آگاه شد.<sup>(۱)</sup> به هر حال این تفرق آراء موجب شد که در فلسفه قدیم در کنار وجودشناسی دغدغه اصلی فیلسوفان بود، شناخت‌شناسی نیز اگرچه نه به قوت وجودشناسی، مطرح



## تفسیر های دیگر از ارزش، بهره‌مندی و زمان نزد آناکسیمندروس

قاسم پورحسن<sup>۱</sup>

مهرداد احمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

هایدگر باور داشت که مفهوم‌پردازی متافیزیکی از نسبت اینهمانی و تفاوت ناصیل است و معتقد بود بنیاد این فراموشی در این واقعیت است که متافیزیک «تفاوت بماهو»، بمثابة گشودگی ناب را فراموشی کرده است. در نظر وی یونانیان تصویر روشتری از نسبت تفاوت و اینهمانی داشتند. او در تفسیر گفته‌های آناکسیماندروس نشان میدهد که در عین اینکه آناکسیماندروس به هستندگان بمثابة یک کل می‌اندیشید اما تفاوتِ هستندگان را از میان نمیبرد. برابر تفسیر هایدگر، آناکسیماندروس با شناساندن آپرون و زمان همچون دو عامل بنیادین توانسته بود تا به مواجهه آغازینتری با نسبت اینهمانی و تفاوت دست یابد. هایدگر این نسبت را «بهره‌مندی» مینامد و معتقد است همین مفهوم بهره‌مندی میتواند ما را به تفاوت بنیادی رهنمون سازد، چرا که برخلاف نظریه‌های متافیزیکی بسته به عاملی بیرونی نیست که همبستگی درگرو آن باشد، بلکه به خود هستی هستندگان بستگی دارد. آپرون و زمان فضای نابی را می‌گشایند که در

۸۱

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)؛ ghasemepurhasan@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه علامه طباطبائی؛ mehrdadahmadi43@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰



گشودگی آن فضا، هستندگان نهادشان را یافته و در عین حال چنان به هم وابسته میشوند که از این تعلق دوجانبه، کل برساخته شود.

**کلیدواژه‌ها:** هایدگر، آناکسیماندروس، تفاوت، اینهمانی، بهره‌مندی

\*\*\*

### مقدمه

«اصل نخستین هر آنچه که هست آپیرون است؛ اما آنچه هست از هر کجا که برخاسته باشد، ضرورتاً باید بدانجا بازگردد؛ زیرا اشیاء با خاطر بیدادگریشان، بدانگونه که بر اساس ترتیب زمانی تعیین شده است به یکدیگر تاوان و غرامت میدهند.»<sup>(۱)</sup>

این سخن تنها یادگاری تفکر آناکسیماندروس برای ماست؛ سخنی که جای تفاسیر فراوانی بوده و هر کس به شیوه‌ی خودش کرده تا راهی به جانب فهم آن بگشاید. یکی از سرشناسترین و فراگیرترین آنها، تفسیری است که آناکسیماندروس را طبیعت‌شناسی پیشاارسطویی معرفی میکند. این راه تلقی از فیلسوفان پیش از سقراط با ارسطو در کتاب *متافیزیک* آغاز گشت و بدست شارحان نخستین آثار ارسطو پرورانده شد بشکلی که سایه خود را بر تمام تفاسیر و تاریخهای فلسفه چنان گسترد که کم و بیش هیچ ترجمه‌ی از گفته‌های متفکران باستان نتوانست از سایه آن بیرون شود. هایدگر با هیچکدام از ترجمه‌های معمول و رایج از سخنان فیلسوفان آغاز سر سازگاری نداشته و هر جا که سخنی از فیلسوفان یونان بمیان آورده، بویژه درباره اندیشمندان باستانی، کوشیده تا حد امکان خود دست به ترجمه زند و به تفاسیر دیگران تکیه نکند. نقد بنیادی هایدگر بر ترجمه‌های دیگران و مشخصاً آثار دیلس و نیچه از گفته‌های ۸۲ آناکسیماندروس از این نکته سرچشمه میگیرد که فهم آنها از آناکسیماندروس از چشم‌انداز متافیزیک ارسطویی برون نمی‌افتد.

منظور از افق ارسطویی تاریخ فلسفه یونان چیست؟ ارسطو باور داشت که «فرزانگی» هنگامی دانش برین است که در پی «علتهای نخستین و مبادی» است؛<sup>(۲)</sup> یعنی اینکه اگر بناست فلسفه در معنای راستینش، آن دانش برینی باشد که جهان را در هستی خود مینمایاند، باید بتواند نسبتی بنیادین با هستی برقرار کند؛ نسبتی که



# مؤلفه‌های رویکرد انتقادی افلاطون نسبت به شعر و شاعران

میثم دادخواه<sup>۱</sup>  
علی نقی باقرشاهی<sup>۲</sup>

## چکیده

افلاطون در محاوره جمهوری پس از بخشهایی که به تقبیح شعر و شاعران آنتی میپردازد، در کتاب دهم از همین محاوره به اخراج آنان از اتویای خویش حکم میدهد، اما در عین حال، آثار خود او سرشار از مفاهیم شاعرانه بوده و همچنین آنجا که از شاعران صحبت میکند کلامش سرشار از احترام و تردید است. از اینرو در این نوشتار بدنیاال آن هستیم تا بیابیم در پس این سرشت پارادوکسیکال چه حقیقتی نهفته است و چگونه میتوان تبیینی از این رویکرد افلاطون نسبت به شاعران ارائه داد و اساساً آیا آنچه مورد نکوهش افلاطون است کاربرد شاعران آنتی از شعر است یا ذات خود شعر مورد انتقاد اوست و یا اینکه باید پاسخ را در جای دیگری جستجو کرد و مشکل را در مخاطبان شعر دید؟ در نظر نگارندگان نوشتار حاضر، اگر بپذیریم یکی از مؤلفه‌های مهم سنت شعری در آتن، قائل شدن وجهی از معرفت برای شعری است که روح غالب آن سنت اساطیری باقی مانده از پیشینیان و تعالیم سوفسطائیان است و همچنین در نظر بگیریم که فراتر از مباحث هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه، اساساً مسئله اول افلاطون سیاست و استقرار یک نظام سیاسی بسامان است، به این نتیجه خواهیم رسید که در این

۱۰۱

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)؛ meysam.dadkhah@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی abaqershabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۴ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰



اتوپیا، سنت شعری آتن با خصوصیتی که دارد با آرمان سیاسی افلاطون قابل جمع نیست؛ چرا که اگر پایدیا یا نظام تعلیم و تربیت را برای استقرار اتوپیا ضروری بدانیم، حال اگر این پایدیا بخواهد دیوارهای خود را بر بنیان اسطوره و تعالیم سوفسطائی بمتابۀ منبع معرفتی بنا کند، تکلیف این آرمانشهر از ابتدا مشخص است. همچنین از وجه معرفت‌شناسی فلسفۀ افلاطون نیز میتوان به این مسئله نزدیک شد و از تمایز میان زیبایی‌شناسانه آنطور که امروزه ما از آن صحبت میکنیم و در آثار هنری متجلی است، با زیبایی مثالی مد نظر افلاطون که همان حقیقت است، سخن گفت. در نظر افلاطون زیبایی زیبایی‌شناختی ذیل زیبایی مثالی است و از اینرو مقصود وی از واژه «زیبا» فقط شامل ارزشهایی که امروزه آنها را زیبایی‌شناسی مینامیم نیست، بلکه ارزشهای اخلاقی و معرفتی را هم دربرمیگیرد و ذیل این موضوع زیبایی عام و خاص باید بحث اخراج شاعران از اتوپیا را بازخوانی نمود.

**کلیدواژه‌ها:** افلاطون، شعر، شاعران، اتوپیا، پایدیا، زیبایی

\* \* \*

#### مقدمه

برای کسانی که دل در گرو حکمت و فرزاندگی دارند، وقتی میخوانند و میشوند که افلاطون، این بانی و پدر فلسفه، آرمانشهری در فلسفه خویش ترسیم میکند که در آنجا جایی برای شاعران نیست، این سؤال برایشان مطرح میشود که چرا افلاطون، هومر<sup>۱</sup> حماسه‌سرا و دیگر نمایشنامه‌نویسان بزرگ آتنی از هسیود<sup>۲</sup> گرفته تا آگاتن<sup>۳</sup> تراژدی‌نویس و آریستوفانوس<sup>۴</sup>، شاعر کمدی‌نویس را از مدینه آرمانی خود اخراج میکند؟! او ابتدا در کتاب دوم و سوم از محاورۀ جمهوری به تقییح شاعران میپردازد، اما به این نقدها و سرزنشها اکتفا نکرده و در کتاب دهم حکم به اخراج آنان از مدینه میدهد. مسئله آنجا جدیتر میشود که در تاریخ آمده، افلاطون در

1. Homer
2. Hesiod
3. Agathon
4. Aristophanes

# سبش مؤلفه‌های معرفت‌شناسی دوره تمدن در ساحت علوم انسانی و آسیب‌شناسی آن

علی کربلانی پازوکی<sup>۱</sup>  
فاطمه نجفی پازوکی<sup>۲</sup>

## چکیده

علوم انسانی مدرن که امروزه در مراکز علمی جهان تدریس میشود، زمان شکلگیری آن به دوره تجدد دنیای غرب میرسد؛ دورانی که به جدایی علم و دین و عقل و ایمان معروف است. مبانی نظری این علوم انسانی بلحاظ هستی‌شناسی به ماده، بلحاظ انسان‌شناسی به اومانیزم، بلحاظ فرجام‌شناختی به علمانیت و بلحاظ معرفتی به حس، تجربه، تحقیق‌پذیری و عقل ابزاری محدود است. باید پرسید که پیشینه و زمینه‌های معرفتی شکلگیری علوم انسانی مدرن غرب چیست؟ و آسیب‌های معرفتی، ارزشی و روانی و معنوی ناشی از آن کدام است؟ این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی با بررسی تاریخی مسئله معرفت در غرب درصدد بازشناسی عوامل معرفتی تأثیرگذار در شکلگیری علوم انسانی دوره تجدد و آسیب‌های آن است. محدود کردن علم به ساینتیسم، انسان به اومانیزم و عالم هستی به پدیده‌های طبیعی و راه کسب معرفت به حس، تجربه، دلیل‌گرایی و عقل‌گرایی حداکثری، تفکیک شناختی بین پدیدار و شیء فی‌نفسه و نادیده انگاشتن حس باطنی

۱۲۷

۱. دانشیار گروه معارف دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول): karbalaei 1383@yahoo.com  
۲. دانشپژوه سطح چهار حوزه علمیه قم؛ yazhra822@yahoo.com  
تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰

سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷  
صفحات ۱۲۷-۱۴۶





و معرفتهای فطری، عقل شهودی و وحی از جمله عوامل مهمی هستند که در شکلگیری علوم انسانی نوین غرب مؤثرند و سبب پیدایش بحرانهای معرفتی، ارزشی و روانی، فقر معنویت، رشد هیچ‌انگاری و ... در دنیای امروز گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** معرفت، غرب، علوم انسانی، تجدد، معنویت، ارزش، فطرت

\* \* \*

### مقدمه

علوم انسانی، روح دانشهای بشری و جهت‌دهنده حرکت جوامع بسوی تکامل است. نظریه‌های مطرح در حوزه علوم انسانی نیز از مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی حاکم بر آن سرچشمه میگیرد. بدین جهت علوم انسانی از جایگاه ویژه‌یی در بین علوم برخوردار است. تا مدتها پیش لفظ «دانشگاه»<sup>۱</sup> بر مراکزی اطلاق میگشت که در آنها علوم انسانی تدریس میشد. درحالی‌که در مورد سایر مراکز علمی از لفظ «پلی‌تکنیک»<sup>۲</sup> استفاده میکردند. اگرچه علم واقعی و روحیه علمی درصدد یافتن حقیقت در حوزه علوم طبیعی، علوم انسانی، علوم نقلی و الهیات با موضوعات و روشها و هدفهای متفاوت است، اما در دوره تجدد غرب، معنای علم از دانش و معرفت در معنای عام آن تغییر یافت و بر علوم طبیعی و انسانی که از روشهای حسی و تجربی بهره میجست، اطلاق گردید. اگرچه این مصادره خودخواهانه بود، اما این واقعیتی است که بعد از «نوزایش علمی»<sup>۳</sup> و از قرن هفدهم و در عصر روشنفکری در دنیای غرب اتفاق افتاد. بنابر این تفسیر نه تنها نوع نگرش به علم تغییر کرد بلکه روش تجربی و حسی، دلیل‌گرایی و ابطال‌پذیری بعنوان تنها روش مطلوب در حوزه علوم انسانی نیز بکار گرفته شد. افزون بر این نگاه به انسان، نیازها، آرمانها، فرجام و مسائل او نیز تحت نگرشهای اومانستی به انسان و مسائل زندگی او کاملاً شکل مادی و تجربی به خود گرفت و در نتیجه معنویت و ارزشهای اخلاقی نیز تضعیف شد. رویکرد غالب در مبانی فلسفی علوم انسانی مادیرگرای غرب، برمبنای اصل قرار دادن

۱۲۸

1. university
2. Polytechnic
3. Renaissance



# بازتاب اندیشه امشاسپندان در نظریه ارباب انواع شیخ اشراق

نادیا مفتونی<sup>۱</sup>

مرتضی درودی جوان<sup>۲</sup>

## چکیده

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا میزان آثار و نشانه‌های مستقیم و غیرمستقیم پنج امشاسپند را در مجموعه مصنفات شیخ اشراق بررسی میکند. پس از استقراء ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان با رجوع به منابع و متون مزدایی مانند *اوستا*، *بندهش* و سایر متون علمی و تحلیلی، به جستجوی این ویژگیها در آثار سهروردی پرداخته، همه مواردی را که ضمن آنها بصراحت از این امشاسپندان نامی بمیان آمده و نیز تمامی مواردی که ویژگیهای عمومی و اختصاصی امشاسپندان را دربردارند استخراج و شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان فراوانی و بسامد ویژگیها و نشانه‌های هر یک از امشاسپندان به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداختیم. بر اثر این پژوهش، نتایج چندی بدست آمد که از آن میان میتوان به مشخص شدن تعداد اشارات مستقیم به امشاسپندان، نظم نسبی فراوانی نشانه‌ها بر اساس ترتیب امشاسپندان، ذکر امشاسپندان پنجگانه بعنوان عقول عرضیه با نظر به کارکرد رب‌النوعی آنها، اجتماع قویترین نشانه‌ها در متون فارسی و در ضمن یادکرد از قهرمانان اساطیری ایرانی اشاره کرد.

۱۴۷

۱. دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته دکتری ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۹



کلیدواژه‌ها: امشاسپندان، اردیبهشت، شهرپور، اسفند، خرداد، امرداد، شیخ اشراق

\* \* \*

### مقدمه

شیخ اشراق بروشنی از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان تأثیر پذیرفته و این امر مورد تأیید صاحب‌نظران است. هانری کربن ویژگی‌هایی اساسی برای حکمت اشراق برمی‌شمارد که عبارتند از: برقراری پیوند با حکمت الهی ایران باستان، تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهره حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است و دستیابی به شناختی که شناخت نظری صرف نبوده، بلکه اشراق بشمار می‌آید.<sup>(۱)</sup> در هر سه ویژگی ذکر شده بهره‌گیری این فلسفه از مبانی و مفاد حکمت خسروانی مورد تأکید قرار گرفته است. تمایل به تفکر باستانی ایرانیان و اخذ حکمت از آن سامانه امری است که در جهت تداوم رشد و پیشرفت حکمت اسلامی و در مسیر مثبت سیر تطور آن قابل تحلیل است.<sup>(۲)</sup>

مؤید این امر تصریحاتی است که در جای‌جای آثار سهروردی بچشم می‌خورد و نه به زبان رمز و اشاره، بلکه چنان آشکار است که حتی از نظر خواننده غیرمتخصص پنهان نمی‌ماند. اشارات صریح به نام فرزندان ایران باستان مانند زرتشت، جاماسب و فرشاوشر، ذکر نام پادشاهان اساطیری ایران باستان همچون کیومرث، کیخسرو، فریدون و ...<sup>(۳)</sup> و بالأخره ذکر برخی اصطلاحات مزدیسنا از جمله نام تمامی امشاسپندان و برخی از ایزدان<sup>(۴)</sup> اشاره به بعضی از باورهای باستانی ایران مانند بزرگ داشتن هورخش یا همان خورشید و به تعبیر سهروردی «نیر اعظم»<sup>(۵)</sup> که ذکر «خوره کیانی»<sup>(۶)</sup> همه حاکی از تأثیر این حکیم ایرانی مسلمان از حکمت خسروانی و نیز تعلق خاطر وی به این شیوه اندیشه‌ورزی است؛ چنانکه خود بارها به این تأثیر و تعلق خاطر اشاره می‌کند.<sup>(۷)</sup>

شواهد فوق به این مهم دلالت می‌کند که تشخیص ما درباره فلسفه سهروردی بعنوان نزدیکترین مکتب فلسفی ایران پس از اسلام به فرزاندگی و نهان‌گرایی ایران باستان تشخیصی درست بوده است. بر همین اساس جستجوی الفاظ، معانی و

۱۴۸



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷

❧ *He is the Wise, the Omniscient* ❧

# *History of Philosophy*

Journal of the International Society of the History of Philosophy



Volume 8, Number 4, Issue 32, June 2018

**Publisher:** Sadra Islamic Philosophy Research Institute

**Director:** Professor Seyyed Mohammed Khamenei

**Editor-in-chief:** Professor Hossein Kalbasi Ashtari

**Administrative Manager:** Jaleh Shamsollahi

---

**Editorial Board:**

Prof. Karim Mojtabedi, *University of Tehran*

Prof. Fathullah Mojtabaei, *University of Tehran*

Prof. Reza Dawari Ardakani, *University of Tehran*

Prof. Nasrullah Hekmat, *Shahid Beheshti University*

Prof. Ahad Faramarz Qaramaleki, *University of Tehran*

Prof. Hamidreza Ayatollahy, *Allameh Tabataba'i University*

Prof. Hossein Kalbasi Ashtari, *Allameh Tabataba'i University*

Prof. Mohammed Taqi Rashed Mohassel, *University of Tehran*

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad, *Shahid Beheshti University*

Prof. Abdurrazzaq Hesamifar, *Imam Khomeini International University*

---

**English Translator:** *Dr. Roya Khoii*

**English Editor:** *Dr. Ali Naqi Baqershahi*

**Persian Editor:** *Fatemeh Mohammad*

---

**Address:** Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

**P.O. Box:** 15875, 6919

**Telephone:** (+98 21) 88153210, 88153594      **Fax:** (+98 21) 88493803

**Email:** SIPRIn@mullasadra.org

**Site:** www.mullasadra.org  
hop.mullasadra.org

---

**ISSN:** 2008-9589

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific-research degree.

It is indexed in the following centers: Islamic World Science Citation Center (ISC), Philosopher's Index



## Contents

### **A Comparative Analysis and Explanation of the Creation of the World in the View of Ionian Philosophers**

*Mohammad Akvan* ..... 5

### **Historical Deliberations over the Principle of the Nobler Possibility**

*Hoorieh Shojaee Baghini and Einollah Khademi* ..... 7

### **Doubt and Certainty in Contemporary Islamic and Western Philosophies**

*Abdurazzaq Hesamifar* ..... 8

### **Heidegger's Interpretation of Anaximander's Arche, Participation, and Time**

*Ghasem Pourhasan Darzi and Mehrdad Ahmadi* ..... 10

### **Components of Plato's Critical Approach to Poetry and Poets**

*Meysam Dadkhah and Ali Naqi Baqershahi* ..... 12

### **An Evaluation and Pathology of the Components of Epistemology of the Modern Period in Human Sciences**

*Ali Karbalaee Pazooki and Fatemeh Najafi Pazooki* ..... 14

### **Reflection of the Philosophy of Amesha Spenta in Suhrawardi's Theory of Archetypes**

*Nadia Maftouni and Morteza Darrudi Jawan* ..... 16

3



سال هشتم، شماره چهارم  
بهار ۱۳۹۷



# A Comparative Analysis and Explanation of the Creation of the World in the View of Ionian Philosophers

*Mohammad Akvan\**

The creation of the world, which is an important and contradictory problem with an eventful historical background, has always attracted the attention of human beings and aroused their enthusiasm and curiosity since ancient periods. This problem has been investigated in four epistemological areas: mythological cosmology, philosophical cosmology, monotheistic worldview, and scientific cosmology. Each of these disciplines has dealt with the creation of the world and its phenomena based on its own principles and methodology and introduced its particular bases of cosmological system. In this study, the process of the creation of the world and natural phenomena has been probed in the philosophical-cosmological view of Ionian philosophers, including Thales, Anaximander, and Anaximenes. In doing so, the author initially examines the principles of the quality of going beyond a mythological view towards a philosophical approach regarding the problem of creation through focusing on the historical trend of the development of theogonic view into a cosmogenic one, the quality of the change of personal

5

---

\* Associate Professor, Philosophy Department, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, mo\_akvan2007@yahoo.com



explainers into non-personal ones, leaving mythological particularism behind and developing universal philosophical concepts, and then compares their methods and methodological approaches. Thales and Anaximenes have both explained the issue of creation based on the “change and evolution” of the prime matter of “water” and “air”, and Anaximander has done so based on the “separation” of objects from the first principle of *apeiron*. Thales and Anaximenes consider all existents and objects as the qualities of prime matter, while Anaximander grants an objective existence to qualities and deems them to be among real existents. Toward the end of this paper, the author tries to provide answers to the questions of how the structure and nature of the world and natural phenomena are formed in the view of Ionian philosophers, how existents and objects are created and annihilated, and whether there is a single origin and a prudent intellect called the Divine Element beyond all changes and evolutions, the turning of material elements into each other, and the detachment of objects.

### Key Terms

creation  
change and evolution  
non-personal explainer  
Thales  
Anaximenes

detachment  
personal explainer  
universal concepts  
Anaximander

6

# Historical Deliberations over the Principle of the Nobler Possibility

*Hoorieh Shojaee Baghini<sup>1</sup> and Einollah Khademi<sup>2</sup>*

The present paper examines the principiality of the principle of the nobler possibility as an Illuminationist principle. Despite the common belief regarding the Greek root of this principle, here the writers claim that it is among the concomitants of the Illuminationist philosophy and is not consistent with Peripatetic ideas and principles. In order to demonstrate their standpoint, they initially provide some proofs from the works of Suhrawari himself and the commentators of his philosophical school and explain how the words of such commentators have led to the idea that this principle has a background prior to the development of Illuminationist philosophy. Second, they examine the concomitants of the Illuminationist school and conclude that Suhrawardi used this principle in order to prove the philosophical principles of his own school, which are not accepted by the Peripatetic school. Hence, it is wrong to seek for a background for this principle in pre-Suhrawardi times.

## Key Terms

nobler possibility  
Peripatetic principles

Illuminationist principles  
Suhrawardi

7

1. PhD candidate of Islamic philosophy and *kalam* (corresponding author), Shahid Rajaei Teacher Training University; Lecturer at the Research Center for Culture, Art and Communication, Tehran, Iran, shbagini@yahoo.com
2. Professor of Islamic philosophy and *kalam*, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran, e\_khademi@ymail.com



# Doubt and Certainty in Contemporary Islamic and Western Philosophies

*Abdurrazzaq Hesamifar\**

Doubt and certainty are two soulish states which form problematic and certain knowledge in the process of human cognition. Problematic knowledge is mainly obtained in the realm of empirical sciences, while certain knowledge is mostly acquired in the domain of certain non-empirical sciences such as philosophy, logic, mathematics, and gnosis. In the history of philosophy, philosophers often sought certain knowledge and believed that it is possible to attain the truth. In contrast, skeptics undermined the acquisition of such knowledge and did not believe in the existence of any kind of truth. The confrontations of these two groups have always constituted a part of the history of philosophy. Such a confrontation has been revived in contemporary philosophy as a result of the discussions which are made in modern epistemology both in Islamic philosophy and Western philosophy. On the one hand, contemporary Muslim philosophers have tried to defend the strong epistemological principles of Islamic philosophy through negating the views of skeptics. They believe in realism in epistemology and reject any interpretation of knowledge which is based on subjective idealism. On the other hand, at least some contemporary Western philosophers have tried to provide

8

---

\* Associate Professor, Philosophy Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, [ahesamifar@gmail.com](mailto:ahesamifar@gmail.com)

some responses to the questions posed by skeptics by developing a number of new views. In this comparative study, the author has tried to evaluate the attempts of a group of philosophers of each side in this regard. It is eventually concluded that the responses of Islamic philosophers to the posed questions enjoy a stronger basis both in the past and at present.

### **Key Terms**

doubt

knowledge

truth

certainty

epistemology

# Heidegger's Interpretation of Anaximander's Arche, Participation, and Time

*Ghasem Pourhasan Darzi<sup>1</sup> and Mehrdad Ahmadi<sup>2</sup>*

Heidegger believed that a metaphysical conceptualization of the relationship between identity and difference is not original and maintained that such negligence is rooted in the fact that metaphysics has forgotten “difference as such” as pure unfoldedness. In his view, the Greeks had a clearer image of the above-mentioned relationship. In his interpretation of Anaximander's view, Heidegger demonstrates that, while viewing all being as a whole, Anaximander does not ignore the differences among them. Based on Heidegger's interpretation, through introducing *apeiron* and time as two fundamental elements, Anaximander managed to have an early encounter with the relationship between identity and difference. Heidegger called this relationship “participation” and maintained that this concept can lead one to fundamental difference. This is because, unlike metaphysical theories, it does not depend on external elements, upon which correlation relies; rather, it depends on the being of beings. *Apeiron* and time open the door to a pure space in the unfoldedness of which beings find their essence and, at the same time,

10

1. Associate Professor, Philosophy Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, ghasemepurhasan@gmail.com
2. PhD candidate of Western Philosophy (corresponding author), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, mehrdadahmadi43@gmail.com



depend so much on each other that the whole is created based on their mutual relation.

### **Key Terms**

Heidegger  
difference  
participation

Anaximander  
identity

# Components of Plato's Critical Approach to Poetry and Poets

*Meysam Dadkhah<sup>1</sup> and Ali Naqi Baqershahi<sup>2</sup>*

In his *Republic*, after denouncing Athenian poetry and poets in certain sections, Plato decrees their deportation from his Utopia in the 10<sup>th</sup> book of the same work. At the same time, however, Plato's own works abound in poetic concepts, and wherever he talks about poets, he uses a language which is both hesitant and respectful. Accordingly, this paper is intended to provide some answers to the following questions: which truth underlies such a paradoxical attitude? How could Plato's approach to poets be explained? What is the main object of Plato's criticism: Athenian poets' use of poetry or the essence of poetry itself? Or, should one seek for the response elsewhere and perhaps find the problem in the addressees of poetry? The authors believe that, if one agrees that one of the important elements of poetry in Athens was to believe in an epistemological aspect for sophist teachings, and if one assumes that, beyond ontological and epistemological discussions, Plato's first problem is basically politics and the establishment of an organized political system, it can be concluded that, in this Utopia, the Athenian poetic tradition and its specific features are not consistent with Plato's

12

1. PhD candidate of philosophy (corresponding author), Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, Meysam.Dadkhah@gmail.com
2. Associate Professor, Philosophy Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, abaqershahi@yahoo.com

political ideas. The reason is that if one considers paedeia or a system of education to be necessary for the establishment of Utopia, if the intended paedeia is based on mythology and sophists' teachings as its epistemological origin, it will be doomed to failure from the beginning. Moreover, one can approach this problem from the epistemological aspect of Plato's philosophy and speak of the distinction between aesthetic beauty, as we know it today and as it is manifest in works of art, and the Ideal beauty or the same truth, as intended by Plato. In his view, the aesthetic view of beauty is a subcategory of Ideal beauty; hence, by the word "beautiful", he does not merely mean the values that are involved in today's concept of aesthetics. Rather, he has ethical and epistemological values in mind as well. Therefore, the discussion of the dismissal of poets from Utopia must be revisited under the category of general and particular senses of beauty.

### Key Terms

Plato  
poets  
Paedeia

poetry  
Utopia  
beauty



# An Evaluation and Pathology of the Components of Epistemology of the Modern Period in Human Sciences

*Ali Karbala'ei Pazooki<sup>1</sup> and Fatemeh Najafi Pazooki<sup>2</sup>*

The formation of modern human sciences which are presently taught at the academic centers of the world dates back to the modern period in the West; an era which is known as the period of the separation of science, religion, intellect, and faith from each other. The theoretical principles of this field of knowledge are limited to matter from an ontological standpoint, to anthropology from a humanist standpoint, to secularism from an eschatological standpoint, and to sense perception, experience, verification, and instrumental intellect from an epistemological standpoint. The question is what the contexts and background of the formation of modern human sciences in the West are, and what epistemological, religious, psychological, and spiritual harms they might lead to. Following a descriptive-analytic design and through a historical review of the problem of knowledge in the West, the present study intends to revisit the epistemological factors influencing the formation of the human sciences of the modern period and their disadvantages. Restricting science to scientism; human being to

14

- 
1. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, karbalaei1383@yahoo.com
  2. Level 4 research candidate at Qom Seminary, Qom, Iran, yazhra822@yahoo.com



humanism; the world of being to natural phenomena; acquisition of knowledge to sense perception, empiricism, causality, and pure rationalism, as well as focusing on an epistemological distinction between phenomena and things in-themselves, and ignoring inner sense and *fitri* (intrinsic) knowledge, intuitive intellect and revelation are among the significant factors which play roles in the formation of modern western human sciences. Moreover, they underlie the creation of epistemological, religious, and psychological crises; spiritual poverty; nihilism, and the like in the world today.

### Key Terms

knowledge  
human sciences  
spirituality  
primordial nature (*fitrah*)

West  
modernity  
value

# Reflection of the Philosophy of *Amesha Spenta* in Suhrawardi's Theory of Archetypes

*Nadia Maftouni<sup>1</sup> and Morteza Darrudi Javan<sup>2</sup>*

Following the method of content analysis, this study explores the extent of the direct and indirect effects and signs of five *amesha spenta* in the collection of Suhrawardi's works. In this process, after establishing the general and particular features of *amesha spenta* based on Zoroastrian sources, such as *Avesta* and *Bandhesh*, and other scientific and analytic texts, the authors have searched for them in Suhrawardi's works. They have extracted and enumerated all the cases in which explicit references have been made to *amesha spenta* and their general and specific features. After calculating the frequency of the features and signs of each *amesha spenta*, they have provided a content and conceptual analysis for them. Among the findings of this study are determining the number of explicit references to *amesha spenta* and the relative order of the frequency of the signs based on the order of *amesha spenta*, referring to the five-fold *amesha spenta* as accidental intellects based on their archetypal functions, providing a collection of the strongest signs in Persian texts, and reminiscing about Iranian mythical heroes.

## Key Terms

16

*amesha spenta*  
Shahrivar  
Khordad  
Suhrawardi

Ordibehesht  
Esfand  
Amordad

1. Associate Professor (corresponding author), Islamic Philosophy and Wisdom Department, University of Tehran, Tehran, Iran, [nadia.maftouni@ut.ac.ir](mailto:nadia.maftouni@ut.ac.ir)
2. PhD in Persian Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, [md.javan@ut.ac.ir](mailto:md.javan@ut.ac.ir)

